بسیج حاصل تفکر امام بود

محسن رضایی در گفت وگو با روزنامه «ایران»

بسیج و بسیجی پدیده ای اجتماعی - اعتقادی است که همزمان با جنگ متولد شد و با خلوص و ایثارگری خود حماسه های جاویدی از خود به جا گذاشت. شناخت این پدیده از ابعاد گوناگون مستلزم غور و بررسی و مطالعه جامعه شناختی عمیقی است. به بهانه هفته بسیج به سراغ عالی ترین فرمانده سابق بسیجیان و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام دکتر محسن رضایی رفته ایم تا با داشته ها و یافته های او راهی به ابعاد وجودی این پدیده عصر انقلاب بیابیم.

به نظر شما بسیج از نگاه جامعه شناسی چه تعریف و جایگاهی دارد؟

به نظر من بسیج هم یک نهاد است، هم یک گروه اجتماعی است. نهاد است به این دلیل که بسیج مجموعه یک سری ارزشها و هنجارهاست که به صورت یک تفکر درآمده و مشابه نهادهای اجتماعی دیگر نقش ایفامی کند. افرادی داوطلب با اعتقادات و آرمانهای مشترک و به صورت یک جوشش دائمی ازدرون اجتماع شکل می گیرد و مسؤولیت ها و مأموریت هایی را در ابعاد اجتماعی ـ سیاسی و فرهنگی برعهده می گیرد.

لذا به نظر من یک نهاداجتماعی است. از بعد دیگر یک گروهی است که از اقشار مختلف جامعه شکل می گیرد، سازمان می یابد و در کلیه مناطق کشور حضور دارد، در روستا و در شهر و در میان عشایر و چون روابط و مناسبات مستمر و دائمی باهم دارند به عنوان یک گروه اجتماعی عمل می کنند. اگر این دو بعد را در کنار هم قائل باشیم می شود گفت که بسیج یک جنبش اجتماعی هم هست، در حقیقت گروهی که هم نقش نهاد را برعهده داشته باشد به صورت مستمر، هم یک گروه اجتماعی باشد، نوعی جنبش اجتماعی هم ایجاد می کند.

آیا می توانیم تعبیر انسان تر از انقلاب اسلامی را برای یک بسیجی به کار ببریم؟

می شود گفت بسیج فرزند انقلاب اسلامی و یکی از نهادهای انقلاب اسلامی است.

پیدایش چنین نهاد و نمادی مستلزم وجود شرایط ویژه اعتقادی همچون شرایط اوایل انقلاب است و یا اینکه در هر شرایطی امکان تولد دارد؟

در شرایط اوایل انقلاب سهل تر ولی در هر شرایط دیگری هم ممکن است. وقتی به صحنه کشورهای مشابه مانند عراق یا لبنان نگاه می کنیم به این نتیجه می رسیم که تولد بسیج و بسیجی با تفکر شیعی گره خورده است. چرا که سپاه بدر عراق و حزب الله لبنان مشابه بسیج به وجود آمده است. از جهت رفتار و منش و کارکرد سپاه بدر عراق و حزب الله لبنان بسیار شبیه بسیج ایران است. این نشان می دهد که میان بسیج و تفکر شیعی یک ارتباط تنگاتنگ وجوددارد. دلیل آن هم این است که خمیرمایه بسیج ایثار و فداکاری است. در نهضت عاشورا ما اوج ایثار و فداکاری را به وضوح می بینیم، همین طور شهادت طلبی عنصری است که در تفکر شیعه وجوددارد.

البته شهادت طلبی آگاهانه و همراه با شعور نه شهادت طلبی کورکورانه و بدون منطق که موجب ازبین رفتن انسانها و خسارات جانی می شود. شهادت طلبی شیعه با عقلانیت، با شعور، با بصیرت و با اخلاق قرین است. شهادت طلبی آگاهانه و با بصیرت که در فرهنگ بسیجی وجوددارد از تشیع مایه گرفته است.

باتوجه به اینکه به دوران دفاع مقدس فرماندهی سپاه پاسداران و نیروهای بسیجی را برعهده داشتید ارزیابی بسیار برتری از رابطه با روحیه بسیجی و مختصات بسیجیان ارائه کنید.

بسیج پدیده ای اجتماعی بود که از دل انقلاب بیرون آمد و توانست در انقلاب اسلامی نقش برجسته ایفا کند و همچنین در صحنه دفاع مقدس مؤثر باشد.

بسیج نقش بسیار برجسته را برعهده گرفت و عمل کرد. البته پدیده بسیج معلول تفکر اجتماعی حاصر امام بود. یعنی اگر امام نبود بسیج هم نبود، کما اینکه ما می بینیم در نهضت مشروطه و یا ملی شدن نفت چنین پدیده ای در ایران شکل نگرفت. اما در جریان انقلاب اسلامی می بینیم این پدیده شکل گرفت. امام معتقدبود که انقلاب را بایستی مردمی کرد نه محصور به تشکیلات. به این معنا که امام درعین اینکه به مبارزان تشکیلاتی احترام می گذاشت، شیوه و روش آنان را قبول نداشت.

یعنی نه شیوه و روش پارلمانتاریستی نهضت آزادی را قبول داشت و نه شیوه مبارزه مسلحانه چریک ها را قبول داشت.

امام شیوه ملیون و منافقین را رد می کرد و معتقد بود انقلاب بایستی مردمی شود و دیدیم که تا مردمی هم نشد به پیروزی نرسید. البته منظور امام پوپولیستی نبود بلکه مردم سازمان یافته محلی یا community بود.

بعد از پیروزی انقلاب هم امام معتقدبود که اداره کشور بایستی به شیوه ای مردمی باشد. از این رو و بر اثر این تفکر نهادهای انقلاب همانند بسیج، سپاه، جهادسازندگی، کمیته های انقلاب و... شکل گرفتند. درحقیقت این نهادها معلول تفکر امام که همان تفکر اداره مردمی کشور است، بود. مردمی کردن اداره حکومت، یک اندیشه و تفکر بود. البته امام این تفکر را مانند نظریه ولایت فقیه بیان نکرد، نظریه ولایت فقیه چون ازسوی امام بیان شد، تبدیل به یک نظام سیاسی شد و پایدار ماند و آنان که بعد از امام آمدند این اندیشه سیاسی امام را استمرار دادند. اما اندیشه های اجتماعی امام چون فرصت طرح به صورت یک تئوری را نیافتند.

لذا کسانی که بعد از امام ماندند فلسفه بسیاری از نهادها را نتوانستند بفهمند و آنها را حفظ کنند. بنابراین اکثر این نهادها در نهادهای دیگر ادغام شدند، جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی ادغام شد، کمیته های انقلاب در شهربانی ادغام شد و درکل نهادهای انقلاب که حاصل تفکر اجتماعی امام بود عموماً برچیده شدند.

اینکه گفته می شود بسیج معلول تفکر سیاسی ـ اجتماعی امام بود براین اساس است که امام معتقدبود انقلاب را بایستی مردمی کرد تا پیروز شود و اداره حکومت هم بایستی مردمی باشد تا کارآمدی داشته باشد. ازجمله مردمی کردن دفاع و امنیت جزء اعتقادات امام بود.

چرا نهاد بسیج که حاصل تفکر اجتماعی امام بود در عمل و در ذهنیت در نیروهای نظامی منحصر شد؟

دلیل آن این است که بعد از رحلت امام آثار تفکر اجتماعی امام برچیده شد. امام یک تفکر اجتماعی داشت و یک تفکر سیاسی داشت، تمام آثار تفکر سیاسی امام همانند نظریه ولایت فقیه، شورای نگهبان، مردم سالاری دینی و... باقی ماندند اما آثار اندیشه اجتماعی امام ازبین رفتند. حتی بسیجی هم که الآن هست، با بسیج اول انقلاب متفاوت است.

این بسیج درجه دارد، کلاه دارد، نظامی می اندیشد و یک چارچوب نظامی به خودش گرفته است و آن چارچوب داوطلبانه مشابه یک سازمان داوطلبانه غیردولتی بود هرچند زیرنظر سپاه بود ولی بسیج اول انقلاب بیشتر غیردولتی بود تا دولتی، ولی بسیج امروز بیشتر دولتی است تا غیردولتی. دلیل آن هم این است که اداره کنندگان دولت احساس می کردند که سازمانی که می خواهد اسلحه داشته باشد باید تحت قواعد و ضوابط حکومت عمل کند و لذا بایستی دولتی باشد وسازمانی که اسلحه دارد نمی تواند خارج از دولت باشد.

اداره کنندگان کشور چون نتوانستند فرمولی پیدا کنند، این پارادوکس را به سمت حکومت حل کردند ولذا اکثر نهادهای اجتماعی که امام ایجاد کرده بود، از بین رفتند وتنها نهادی که باقی ماند بسیج بود که این هم تمایل دولتی گرفته است و حالت مردمی اول انقلاب را ندارد و اگر فکری نشود شکل پادگانی می گیرد.

با این تفاسیر آیا هنوز هم می توان به این نهاد لفظ بسیج را اطلاق کرد؟

البته تغییراتی شده است ولی بالاخره خود بسیج همان بسیج است و امتداد بسیج گذشته است. کالبدها مانده ولی در محتوا تغییراتی به وجود آمده است. این بسیج درحال گذر به یک بسیج دولتی است. یعنی بسیج اولیه کاملاً مردمی بود، این بسیج حالت نیمه مردمی، نیمه دولتی دارد و اگر همین مسیر طی شود بسیج کاملاً دولتی می شود.

مأموریت بسیج در شرایط امروز چیست؟

به نظر من بسیج در شرایط امروز چون مکمل امنیت ملی ماست و درحقیقت با کمک سپاه می تواند خلأ دفاعی و امنیتی کشور را پر کند، پس ازانقلاب و بعد از اینکه ارتباط ایران با آمریکا قطع شد، در سیستم دفاعی کشور خلأیی به وجود آمد. قبل از انقلاب، امنیت ایران با امنیت آمریکا گره خورده بود، بعد از آنکه ارتباط ایران با آمریکا قطع شد و کشورمان مستقل گردید یک خلأیی در امنیت و دفاع کشور به وجود آمد، سپاه و بسیج همواره یکی از کارکردهایشان این بوده است که این خلأ امنیتی - دفاعی را پر کرده اند و اجازه نداده اند با حذف آمریکا، از حلقه دفاعی ایران بی ثباتی و ناامنی در کشور شکل بگیرد و در عمل سپاه و بسیج توانستند با توانایی های خود خلأهای امنیتی - دفاعی را پر کنند. البته بسیج وظیفه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن را دارد

برخی ورود افرادی از بسیج و سپاه را به بدنه دولت را منفی ارزیابی می کنند نظر شما چیست؟

در تمام دنیا سیاست مداران یا از دل احزاب و یا از دل نیروهای مسلح بیرون می آیند. به طوری که ۵۰ درصد رؤسای جمهور اروپا سابقه نظامی داشته اند. نظامیان یکی از منابع سیاست هستند اما مشروط به اینکه سازمانهای نظامی وارد سیاست نشوند. در حقیقت ورود نظامیان به سیاست دو معنا دارد اگر ورود نظامیان به سیاست به این معنا باشد که نیروهای مسلح درسیاست دخالت کنند این کار درستی نیست و انحراف است

> بسیج مجموعه یک سری ارزشها و هنجارهاست که به صورت یک تفکر درآمده و مشابه نهادهای اجتماعی دیگر نقش ایفامی کند

و اگر منظور از ورود نیروهای نظامی به سیاست این است که کشور بتواند همان طور که از احزاب استفاده می کند از نظامیان به روش دموکراتیک در اداره سیاسی کشور استفاده کند این قاعده ای است که در همه دنیا مرسوم بوده است. چرا که نظامیان یک منبع انسانی تأمین اداره سیاسی کشورند که اگر سیاست از آنان محروم شود به مدیریت کلان کشور لطمه وارد می شود.

هر کس در دوره رئیس جمهور می شد یک بخش زیادی از این نیروها را به کار می گرفت. چون عمده دوره های انقلاب سابقه جبهه و جنگ دارند و با آغاز جنگ به جبهه رفتند. و در پانزده الی بیست سال آینده هم کشور به دست اینها افراد خواهد شد.

آقای احمدی نژاد نیز از نسل دومی های انقلاب است. اگر آقای دکتر معین هم می آمد، تعداد زیادی از افرادی را که سابقه جنگ و جبهه داشتند را بر سر کار می آورد منتهی از طیف چپ، دلیل آن هم این است که عمده نسل دومی های انقلاب دوره جوانیشان در جبهه طی شده است.

اکثر نسل دومی های انقلاب که آمادگی داشتند از کشورشان دفاع کنند وارد جنگ شدند آن عده ای که وارد نشدند یا افراد ترسویی بودند و یا آدم هایی بودند که برای عدم حضورشان توجیهی داشتند. بنابراین در اینجا بحث نظامی و غیرنظامی مطرح نیست، بلکه موضوع این است که نسل دومی هایی که در دوران جنگ هم به جبهه رفته اند الان در شرایط سنی قرار دارند که می توانند در اداره کشور باشند. اگر جامعه از این نسل صرفنظر کند بایستی از نسل اولی ها به نسل سومی ها عبور کند یعنی کسانی که سی ساله هستند و این خلأ سنی سی ساله ها و پنجاه ساله ها را نمی توان پر کرد.

در انتخابات آقای هاشمی و آقای کروبی از نسل اول انقلاب بودند و شش نفر دیگر از نسل دومی ها بودند و هر یک از این شش نفر اگر به سر کار می آمدند حتماً یک جمعیتی از نسل دوم انقلاب که در دوران جنگ هم به جبهه رفته بودند را به عنوان همکار انتخاب می کردند و از آنان استفاده می کردند.

برخی با تمسک به بخش از وصیت نامه امام استفاده از این نیروها را نفی می کنند تفسیر شما از نظر امام در این خصوص چیست؟

اغلب کسانی که امروز فرمانده و یا کادر ثابت سپاه شده اند اول بسیجی بوده اند و به دلیل فرماندهان سپاه ابتدا بسیجی بوده اند و به دلیل قابلیت ها به مرور زمان کادر ثابت سپاه شده اند. در شرایط جنگ به دلیل نیازمندی هر کس را که توانایی از خودش نشان می داد به او مأموریت و مدیریت می دادیم و از وضعیت داوطلب بسیجی به حالت کادر و سپاهی انتقال می دادیم. بنابراین سپاهیان در حقیقت همان بسیجیانی هستند که با نشان دادن توانایی جذب سپاه و فرمانده شدند. آنانی هم که بیرون سپاه مراحل تحصیلی را طی کردند و به مدیریت رسیدند از جمله کسانی هستند که در جنگ فرصت مدیریت و فرماندهی پیدا نکردند وگرنه آنان هم عضو سپاه می شدند. لذا آنانی که الان عضو سپاه هستند و تحصیلات دانشگاهی هم دارند کارشناسانی هستند که تجربه مدیریتی هم دارند.

> اگر امام نبود بسیج هم نبود کما اینکه ما می بینیم در نهضت مشروطه و یا ملی شدن نفت چنین پدیده ای در ایران شکل نگرفت

اما در مورد نامه امام بایستی بگویم که این وصیت نامه مربوط به نهادها و نیروهای مسلح است و ربطی به نظامیان که از ارتش و سپاه بیرون آمده اند ندارد.

امام فرموده است که سپاه و ارتش نباید در باندبازی ها ومناقشات سیاسی شرکت کنند.

این بحث مستقلی است که شامل نظامیانی که از ارتش یا سپاه بیرون می آیند و آماده خدمت در جاهای دیگری شدند نمی شود.

نسبت محسن رضایی با بسیج چیست؟

من از سال ۱۳۵۰ که وارد مبارزه شدم تا الان که ۳۴ سال می گذرد، روی آرمانهایی که داشته ام باقی مانده و فکر می کنم که آرمانهای یک بسیجی در من وجود داشته باشد. منتهی ما همان بسیجی قدیمی هستیم که بر آرمانها و اعتقاداتمان ایستاده ایم، آرمانهایی که آرمانهای حضرت امام بود.

به نظر شما چه آسیب هایی بسیج و تفکر بسیجی را تهدید می کند؟

بسیج اگر از آرمانهای امام و انقلاب فاصله بگیرد و از حالت عرضی و شکل اجتماعی که داشته به یک شکل و فرم دولتی درآید دیگر افراد داوطلب و ایثارگر و فداکار کمتر در آن پیدا خواهد شد و ممکن است عده ای بیایند که دنبال گرفتن امتیازات دولتی هستند. اگر خدایی ناکرده چنین روزی فرا برسد یعنی به جای افراد ایثارگر و فداکار عده ای که به دنبال امتیازات دولتی هستند وارد بسیج شوند دیگر در عمل چیزی به نام بسیج باقی نخواهد ماند.

علت انصراف تان از کاندیداتوری ریاست جمهوری چه بود؟

علت انصرافم این بود که ارتباط من با مردم خیلی دیر برقرار شد، دلیل آن هم این بود که من امکانات حزبی، رسانه ای و شبکه ای در اختیار نداشتم و زمانی توانستم با مردم ارتباط برقرار کنم که امکانات صدا وسیما در اختیار نامزدها قرار گرفت. تقریباً دو هفته مانده به انتخابات من توانستم حرفهایم را با مردم بزنم و با مردم ارتباط برقرار کنم. اما این مدت برای اینکه پیام تبدیل به موج خیلی کم بود و اگر دو یا سه هفته انتخابات به طول می کشید و عقب می افتاد و این امکانات همچنان در اختیار کاندیداها بود فکر می کنم من عقب نمی ماندم و انصراف نمی دادم. از قبل هم این پیش بینی را داشتم لذا وقتی دیدم ارتباطم دیر برقرار شده است، تلاشی را شروع کردم براین اساس که کسانی که با من حوزه مشترک دارند آنان انصراف دهند تا یک دولت ائتلافی شکل بگیرد.

سه نفر از نامزدهای انتخاباتی با من حوزه مشترک رأی داشتند یک نفر حوزه قومی، یک نفر حوزه مدیتین و نیروهای سنتی. ما نتوانستیم به یک توافقی برسیم که حداقل یک نفر از این سه نفر کنار رود.

اگر یک نفر از این سه نفر کنار می رفت من انصراف نمی دادم. وقتی دیدم که ارتباطم با مردم برقرار شده و تا پیامهایم تبدیل به یک موج شود زمان بیشتری لازم دارم و از طرف دیگر هم کسانی که با من حوزه مشترک رأی داشتند حاضر نیستند کناره گیری کنند احساس کردم امکان اینکه نفر اول یا دوم باشم وجود ندارد و نمی خواستم به هر قیمتی در انتخابات حضور داشته باشم، زیرا می خواستم دولت را در اختیار بگیرم و با برنامه هایی که از ۱۶-۱۵ سال پیش آماده کرده بودم به ویژه در عرصه اقتصاد و فرهنگ تحولاتی جدی به وجود آورم و با ایده ها و برنامه هایم به ملت ام و به جمهوری اسلامی خدمت کنم. وقتی دیدم چنین وضعیتی وجود دارد با اینکه آن روزها در اوج استقبال بودم، در استانهای چهارمحال و بختیاری و خوزستان جمعیت های ده هزار نفری را می دیدم که به استقبالم می آمدند. در اوج آن استقبالها وقتی همه جوانب را سنجیدم بر احساسات و عواطفم غلبه کردم و تصمیم گرفتم که کناره گیری کنم و در صحنه انتخابات نباشم.

برنامه هایتان برای توسعه فرهنگ بسیجی چه بود؟

من در نظر داشتم اگر دولت را به دست بگیرم دوباره همان روحیه ایثارگرانه اول انقلاب را احیا کنم. چون کاملاً در مدیریت این کار هم بودم. زمانی که من سپاه را در اختیار گرفتم. کل سپاه با کادر و مشمول جمعاً سی هزار نفر بیشتر نبودند و هنگامی که سپاه را پس از ۱۶ سال تحویل دادم، حداقل سه میلیون بسیجی جبهه رفته داشتیم و بیش از ۲۰ هزار پاسدار سپاهی داشتیم و همان اندازه مدیرانی داشتیم که از سپاه خارج شده بودند و در دولت و یا بخشهای خصوصی مشغول بودند. از آقای مرتضی نبوی روزنامه رسالت تا آقای بیطرف وزیر نیرو آقای خاتمی اینها همه در سپاه بودند و من چون با جوانها کار کرده بودم و تجربه این کار را داشتم، خودم را آماده کرده بودم که موج جدیدی از جوانهای کشور را با همان آرمانهای انقلاب و با همان تفکرات ایثارگرانه بسیجی تربیت کنیم و با سیستم و نهادهای دولتی و با فضایی که سازندگی و پیشرفت و توسعه کشور ایجاب می کند کشور را اداره کنم.

درحقیقت بازیابی و بازسازی فرهنگ ایثار و برادری و عشق وتعاون توسط جوانان در اداره کشور.

عکس: کاویس حمدلو

امروز، اولین جلسه دادگاه متهم فروش مواد شیمیایی به عراق

اولین جلسه علنی «فان آن رات» متهم فروش مواد شیمیایی به عراق، امروز در شهر لاهه برگزار می شود که در این جلسه برخی مصدومین شیمیایی ایران نیز حضور خواهند داشت.

«مشکان مشکور» یک فرد آگاه درخصوص این پرونده تصریح کرد: «فان آن رات» در آذرماه سال گذشته در هلند دستگیر شد؛ وی در سال های جنگ عراق علیه ایران مقادیر زیادی مواد شیمیایی از ژاپن و بعد از آمریکا خریداری و به عنوان دلال از طریق اروپا و بندر عقبه در اردن به عراق حمل می کرده است.

به نوشته «همشهری»، وی افزود: «این مواد شیمیایی در کارخانه های تسلیحات شیمیایی عراق به ویژه در سامرا به گلوله های توپ و یا بمب هایی که از طریق هوا به مناطق تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و به سوی افراد نظامی و غیر نظامی پرتاب و موجب شهادت و یا زخمی شدن عده ای از هموطنانمان می شد، تبدیل می شده».

مشکور بیان کرد: «آن رات در جنگ عراق و کویت، از عراق خارج شد و توسط دستگاه قضایی آمریکا به دلیل تخلفات گمرکی تحت تعقیب قرار گفت؛ زیرا گمرک آمریکا مدعی شده بود که آن رات مخالف قوانین این کشور و با ارائه برنامه و گواهی نامه جعلی مواد شیمیایی را به خارج منتقل کرده است».

وی ادامه داد: «در سال ۲۰۰۰ آن رات در ایتالیا دستگیر و بازداشت شد و توسط مقامات ایتالیایی و با سپردن وثیقه آزاد و سپس به عراق فرار کرد که در زمان حمله آمریکا به عراق، ازطریق سفارت هلند در سوریه به این کشور رفت».

مشکور با بیان این که «آن رات» مدتی را در هلند با حمایت دستگاه های اطلاعاتی آمریکا و هلند زندگی می کرد، گفت: «بعد از زندگی مخفیانه، تلاش می شود که وی از انزوا خارج شود و سپس مصاحبه ای را انجام می دهد و به طور تلویحی به دست داشتن در تأمین مواد ممنوعه به عراق اقرار می کند».

وی تصریح کرد: «سپس دادستانی هلند به لحاظ همین اظهارات آن رات را تحت تعقیب قرار می دهد و پس از مدتی تحت نظر گرفتن، زمانی که وی قصد خارج شدن از هلند را داشت، او را دستگیر می کند که بعد از آن پرونده به طور علنی مطرح می گردد».

نشریات پایداری

صدام، این غریقه عرب (بچه ولگرد شنزارها)

کتاب حاضر نوشته سرهنگ زرهی ستاد، عبدالله رفیعی از جمله رزمندگان هشت سال دفاع مقدس است. او در این کتاب به حوادث شگفت انگیز و فراموش نشدنی تاریخ پرفراز و نشیب ایران اسلامی و زندگی خصوصی صدام حسین پرداخته است. او کتاب خود را در چهارده فصل به نگارش درآورده است. فصل اول حاوی یادداشت هایی درباره کشور عراق است، سپس زندگی صدام حسین و تولد، کودکی و نوجوانی اش شرح داده شده است. مطالبی درباره چگونگی به قدرت رسیدن صدام سرفصل های فصل سوم کتاب را به خود اختصاص می دهد. و در فصل بعدی نیز تاریخ جنگهایی که صدام علیه ایران داشته است، مورد مداقه قرار گرفته است. نقش دین در حکومت صدام، خانواده و زندگی خصوصی این دیکتاتور، مقایسه حکومت صدام با دیگر حکومت های وحشت در سراسر دنیا، تحلیل شخصیتی رئیس جمهور مخلوع عراق و... از دیگر مطالب کتاب هستند. در فصل انتهایی کتاب نیز چگونگی سقوط و دستگیری صدام مورد بررسی قرار گرفته و ذلت دیکتاتور به نمایش گذاشته شده است. کتاب «صدام این غریقه عرب» در انتشارات امر محمد به چاپ رسیده است و با بهای سه هزار تومان در وبترین کتابفروشی ها قرار دارد.

گفت وگوی تندر و آذرخش

کتاب «گفت وگوی تندر و آذرخش» مجموعه شعر مقاومت ملل ـ ۱ با آثاری از شاعران کشورهای مصر، سودان، تونس، مراکش، لیبی و الجزایر است که با ترجمه شاعر معاصر موسی بیدج توسط انتشارات خورشید باران به تازگی وارد بازار کتاب شده است. این کتاب با ۳۳ قطعه شعر در ۱۷۲ صفحه به زیور چاپ آراسته شده است و برای عموم علاقه مندان خصوصاً دوستداران شعر و مقاومت در سایر کشورها کتاب ارزنده ای است.

شعر کوتاهی از این مجموعه از محمد میلاد اهل کشور «تونس» می خوانیم:

هر گاه که می نویسی
مگس های زنبورنما می آیند
و کلمات تو را
دوباره نقطه می گذارند
این سفیدی
به درد نوشتن نمی خورد!

عطش به نیت دریا

مجموعه شعر «عطش به نیت دریا» شامل شعرهایی از شاعران استان سمنان است که به تازگی با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سمنان به کوشش حسن یعقوبی به چاپ رسیده است.

استاد علی معلم دامغانی ـ علیرضا قزوه ـ محمد حسین جعفریان ـ سارا حیدری و علیرضا دهقانیان از جمله شاعرانی هستند که آثارشان در مجموعه آورده شده است. در مجموعه ۶۰ قطعه شعر از ۳۳ شاعر مجموعه «عطش به نیت دریا» را زینت بخشیده است. اشعار این مجموعه در زمینه های ایثار، شهادت و دلتنگی ها و دلواپسی های دوران ۸ سال دفاع مقدس است.

دو رباعی از این مجموعه را از فرامرز عرب عامری می خوانیم:

(۱)
فدای گرد و خاک روی ساکت
گل آوردم بذارم روی خاکت
ببخشا چون دلم دست خودم نیست
همان شب بسته بودم پر پلاکت

(۲)
جدا شد جان من از پیکر من
غم هجرش نمی شد باور من
چه حالی داشت آن شب زیر آتش
خدا می داند و همسنگر من

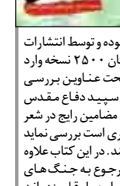

«به رنگ هنوز»

«به رنگ هنوز» به قلم شاعر گرانمایه حبیب الله بخشوده و توسط انتشارات «نسیم حیات» با همکاری نشر صریر به تازگی در شمارگان ۲۵۰۰ نسخه وارد بازار کتاب شده است. این کتاب که در دو فصل عمده تحت عناوین بررسی ساختار شعر سپید دفاع مقدس و بررسی محتوایی شعر سپید دفاع مقدس تنظیم گردیده است. نویسنده آن بر آن بوده تا مهمترین مضامین رایج در شعر سپید پایداری را که معمولاً مشترک با دیگر قالبهای شعری است بررسی نماید و علاوه بر آن از ساختار شعر سپید پایداری نیز غافل نباشد. در این کتاب علاوه بر آثار مهمترین و جدی ترین سپید سرایان پایداری با رجوع به جنگ های مختلف ادبی و جراید از سرایندگانی که به هر طریق در این راه قلم زده اند بهره برده شده است.